

شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت فراغت زنان از دیدگاه کنش متقابل در مراکز چندمنظوره شهری (مطالعه موردی: مرکز چندمنظوره کوروش)*

مهندس شارین شیرمحمدیان**، دکتر شادی عزیزی***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۱۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۹/۰۴

مکیده

امروزه فراغت و چگونگی گذران آن در محیط‌های نوظهور شهری موضوع مورد توجه بسیاری از شهر سازان است. از این رو، این مقاله به شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت فراغت زنان در مراکز چندمنظوره به عنوان فضای جدید تعاملات شهری در عصر حاضر می‌پردازد. با بررسی ادبیات موضوع در سه زمینه فراغت در عصر حاضر، فراغت زنان و مراکز خرید چندمنظوره شهری عوامل مؤثر در فراغت زنان بر اساس دیدگاه کنش متقابل به سه متغیر گسستگی فعالیت‌ها، انجام کارهای هم‌زمان و روابط با دیگران (در قالب معاشرت و گفتگو) دسته‌بندی شده است. معناداری این عوامل به کمک تحلیل‌های آماری در قالب نتایج مستدل برای مرکز چندمنظوره کوروش در شهر تهران، گردآوری و تحلیل شده است. نتایج نشان می‌دهد که فراغت زنان وابستگی معناداری با هم‌زمانی فعالیت‌ها و گسستگی در انجام آنها دارد اما عامل ارتباط با دیگران رابطه معناداری در ارتباط با نحوه فراغت زنان ایجاد نمی‌کند.

واژه‌های کلیدی

فراغت در عصر حاضر، مراکز چندمنظوره شهری، فراغت زنان، دیدگاه کنش متقابل.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول در رشته معماری با عنوان «ارائه مفهوم شادی فضایی با تمرکز بر فضای چند منظوره شهری» است که تحت راهنمایی دکتر شادی عزیزی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی در حال انجام است.

** دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: sha.shirmohamadian.arc@iauctb.ac.ir

*** استادیار و عضو هیئت علمی گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (مسئول مکاتبات).

Email: sha.azizi@iauctb.ac.ir

مقدمه

تغییر بنیادهای شهرنشینی در دنیای صنعتی و فرا صنعتی باعث دگرگونی در مفاهیم کار، سکونت و فراغت شده و این امر سبب گردیده است که اوقات فراغت به یکی از ضرورت‌های حیاتی جوامع بشری تبدیل شود. در دوران جدید، نیاز به گذران مناسب اوقات فراغت از جمله نیازهای مهم ساکنان شهر به شمار می‌رود، لذا اهمیت این موضوع باعث شده است که اوقات فراغت به یکی از مشغله‌های مهم برنامه ریزان و مدیران شهری بدل شود و طراحی و برنامه‌ریزی برای این امر، ضروری تلقی گردد. با توجه به اهمیت برخورداری از حقوق برابر برای اقشار مختلف جامعه در حوزه شهرنشینی و عدم توجه مکفی به جایگاه زنان در طرح‌های مرتبط با حوزه فراغت، لزوم توجه به ماهیت تصمیم زنان در مواجهه با فرصت‌های فراغت حائز اهمیت است. در این راستا، می‌توان بیان داشت که پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی زنان و تأمین آن قبیل از نیازها که به آن اشاره شد، مستلزم وجود فضا و قرارگاه کالبدی است و فضاهای عمومی شهر که در قالب مراکز چندمنظوره شهری در دسترس تمام اقشار جامعه قرار گرفته‌اند، ظرفیتی عظیم جهت پاسخ‌دهی به این قبیل نیازهای فطری ایجاد کرده‌اند. لذا در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا اهمیت فراغت برای زنان به‌عنوان یک منبع هویت‌ساز جامعه در کنش با مراکز چندمنظوره شهری مانند بازارهای نوین^۱ و پردیس‌های سینمایی که امروزه از اقبال درخور و قابل توجهی برخوردار شده‌اند، مورد مطالعه قرار گیرد. مراکز چندمنظوره شهری، خارج شدن زن از خانه و حضورش در بیرون را مشروع و موجه می‌سازد. در چنین مکان‌هایی است که زن‌ها می‌توانند از کار خانه رها شده و هویت جدیدی برای خود، به‌غیر از زن خانه بودن یا مادر بچه‌ها بودن، بیابند. همچنین مراکز چندمنظوره نسبت به فضاهای عمومی دیگر مانند کافی‌شاپ‌ها و رستوران‌ها کنش‌ها و معناهای متنوع‌تری را در خود جای می‌دهند. از این رو مراکز چندمنظوره، مکان‌های مناسبی برای مطالعه مفهوم فراغت می‌باشند. اهمیت این پژوهش در توضیح نقش فراغت و کنش‌های وابسته به آن است که می‌تواند مولد همبستگی اجتماعی گردد. این نوع نگرش به فراغت موجب می‌شود عامل فضا و مکان نقش مهمی در شکل‌دهی هویت زنان ایفا کند؛ چراکه حضور محدود در فضاهای شهری برای زنان، موجب ناتوانی آن‌ها در ساخت روابط و سرکوب هویتشان می‌گردد که این امر اغلب سبب می‌شود زنان فضای فراغتی فردی یا جمعی خود را در خانه‌هایشان جستجو کنند. در پژوهش حاضر ابتدا به شناسایی عوامل مؤثر بر کیفیت فراغت زنان از دیدگاه کنش متقابل در مراکز چندمنظوره شهری پرداخته شده است و سپس معناداری میان عوامل شناسایی شده و فراغت زنان در مرکز چندمنظوره شهری

کوروش - به‌عنوان نمونه موردی - با استفاده از توصیف پیمایشی و آزمون آماری بررسی شده است، در نهایت نتایج به‌دست آمده مورد صحت‌سنجی قرار گرفته است. پرسش مطرح شده این است که اساساً عوامل مؤثر در کیفیت فراغت زنان بر اساس دیدگاه کنش متقابل به‌عنوان دیدگاه نوین در مقوله فراغت، در مراکز نوظهور چندمنظوره شهری چه عواملی هستند و آیا میان این عوامل و فراغت زنان در مرکز چندمنظوره کوروش ارتباط معناداری وجود دارد یا خیر؛ که این رویکرد مبین هدف این مطالعه بوده است تا به کمک آن جایگاه معنایی پیکربندی جدید فضا که در مراکز چندمنظوره شهری متجلی شده است بر ماهیت فراغت زنان مشخص گردد.

به‌صورت خلاصه ابتدا در مورد روش پژوهش و تعیین جامعه نمونه، پرسش‌نامه و آزمون‌های آماری مورد استفاده در پژوهش، توضیحاتی داده شده است. مبانی نظری با محورهای اصلی فراغت زنان در عصر حاضر، فراغت زنان و فراغت در مراکز چندمنظوره شهری به‌منظور یافتن متغیرهای تحقیق به‌طور کامل بررسی شده است. با توجه به منابع و مطالعات ارائه شده سه متغیر هم‌زمانی فعالیت‌ها، گسستگی فعالیت‌ها و ارتباط با دیگران (در قالب گفتگو و معاشرت) از این بخش استخراج شده است. سپس در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها ابتدا به تشریح گام‌های طراحی پرسش‌نامه و سپس مراحل پیش‌آزمون، توزیع و تحلیل توصیفی داده‌ها پرداخته شده است. در یافته‌های پژوهش سعی بر آن بوده است تا نتایج آزمون‌های آماری در قالب توضیحات و جداول مشروح شود و سپس با مشاهدات میدانی صحت نتایج سنجیده شود. در قسمت نتایج تمامی بخش‌های پژوهش به‌طور کامل توضیح داده شده است.

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی - پیمایشی انجام شده به‌صورت گام‌های مشخص در شکل ۱ آورده شده است. همان‌طور که در شکل ۱ قابل مشاهده است متغیرهای مربوط به بحث فراغت زنان با مؤلفه‌هایی چون: امکان انجام فعالیت‌های هم‌زمان، گسستگی فعالیت‌ها و روابط با دیگران (در قالب معاشرت و گفتگو) برای تشخیص فضاهای فراغت در مراکز چندمنظوره بر اساس مرور ادبیات و توجه به مبانی نظری موضوع ثبت شده است. همچنین، با توجه به تعریف مراکز چندمنظوره بایان تجمیع کاربری‌های مختلط و مترکم در یک محدوده شهری، مجموعه تجاری، اداری، فرهنگی، تفریحی کوروش به‌عنوان نمونه موردی در نظر گرفته شده است. در ادامه شناخت اندازه جامعه و اندازه نمونه مورد بحث در نمونه موردی معرفی شده بسط داده شده که بر اساس فرمول کوکران^۲ به‌دست آمده است. پس از طراحی پرسش‌نامه،

سه دسته در این بخش طبقه‌بندی شده است. در گام اول به مفهوم فراغت در عصر حاضر پرداخته شده و در ادامه به مباحث پیرامون فراغت و به‌ویژه مفهوم فراغت زنان اشاره شده است؛ در گام سوم مراکز چندمنظوره به‌عنوان محل تجمع افراد و محلی که فرصت ساز فراغت زنان در جوامع کنونی است مورد بررسی قرار گرفته است.

فراغت در عصر حاضر

دیدگاهی که در مورد مفهوم فراغت در پژوهش حاضر بیشتر به آن تأکید شده است، دیدگاه کنش متقابل^۶ (تعامل‌گرایی) است. این دیدگاه مفهوم فراغت را در عصر حاضر تعمیم‌پذیر می‌سازد، لذا برای پرداختن به موضوع فراغت در دنیای امروز دیدگاهی مناسب است. کنش متقابل ریشه در مطالعات انجام‌شده بین سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۴۰ در دانشگاه شیکاگو دارد. در این دیدگاه برخلاف رویکردهای مارکسیستی و کارکردگرایی، بر منافع، انگیزه‌های فردی در رابطه با انتخاب‌های فراغت بیشتر تأکید شده است (Blumer, 1986, 188). برگر و لاکمن^۷ معتقدند «اگرچه ساختارهای اقتصادی موجب محدود شدن تجربیات فراغت می‌شود ولی انگیزه‌های شخصی همچنان عامل بسیار مهمی در انتخاب افراد است» (Berger & Luckmann, 2011, 51). از دیدگاه جان کلی^۸ و جانیس کلی^۹ اساس وحدت اجتماعی در تعاملات اجتماعی حول تجربه فراغت شکل می‌گیرد. (Kelly, 1983, ۱۳۹۹)

تحلیل روایی^۳ و پایایی^۴ - با استفاده از آلفای کرونباخ^۵ محاسبه شد- آن توزیع پرسش‌نامه در جامعه هدف صورت پذیرفت که نتایج آن در ابتدا به‌صورت توصیفی بیان شده است. در گام تحلیل آماری داده‌های به‌دست‌آمده، شکل تصادفی و پراکندگی مثبت پاسخ‌ها به همراه معناداری هر یک از عوامل معرفی شده، به‌دست آمده است.

همان‌طور که در شکل ۱ قبل ملاحظه است، ابتدا در قسمت (الف) سه متغیر پژوهش شامل انجام فعالیت‌های هم‌زمان، گسستگی فعالیت و روابط با دیگران (در قالب معاشرت و گفتگو) از مباحث مبانی نظری در سه محور اصلی فراغت در عصر حاضر، فراغت زنان و مراکز چندمنظوره شهری استخراج شده است. سپس در بخش (ب) به توضیح روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است. این بخش نیز شامل طراحی و تحلیل روایی پرسش‌نامه است و پیش‌آزمون به‌منظور بررسی پایایی پرسش‌نامه صورت گرفته است. سپس توزیع پرسش‌نامه به‌صورت تصادفی انجام شده است. در تحلیل توصیفی داده، داده‌های مردم‌نگارانه توصیف شده است و در قسمت تحلیل آماری نتایج آزمون داده‌ها شرح داده شده است.

مبانی نظری پژوهش

تاکنون پژوهش‌هایی در خصوص موضوع فراغت، شهر و زنان انجام گردیده است، در این راستا مبانی نظری و ادبیات موضوعی آن در



شکل ۱. ساختار روش پژوهش

فراغت هم به صورت دو مفهوم کاملاً جدا از هم و هم به عنوان حوزه‌های پیوسته در زندگی افراد مطرح شده است. پیروان این دیدگاه معتقدند فراغت برای آن گروه از افراد که دارای مشاغل مورد رضایت هستند (مانند هنرمندان)، حوزه‌ای پیوسته با کار و برای افرادی که مشاغل سخت (مانند کارگران معدن) دارند حوزه‌ای مجزا تعریف می‌شود (Parker, 1983, 74). گروه سوم نئومارکیست‌ها^{۱۳} هستند، آن‌ها در فرایند شکل دادن به طبقه اجتماعی، مصرف را جای تولید نشانه رفتند. به عبارتی، شکل‌دهی ساختار طبقاتی در رویکرد مارکسیستی تولید و در رویکرد نئومارکیستی، مصرف است. فراغت در این رویکرد نقش محوری در تمایز و نابرابری اجتماعی و فرهنگی دارد (Clarke & Critcher, 1985, 120). گروه چهارم فمینیست‌ها^{۱۴} هستند که جنسیت را از نقطه نظر هستی شناختی یک برساخته اجتماعی تلقی کرده و به لحاظ معرفت‌شناختی دانش زنانه را با قدرت در ارتباط می‌دانند. نقد فمینیستی به طور خاص به روابط جنسیت در جوامع و به طور عام به جنسیت به عنوان اصل ساختاری در جامعه‌ی انسانی معطوف است (محمد پور و همکاران، ۱۳۸۸). بسیاری از فمینیست‌ها مردسالاری را مانعی قابل توجه برای مشارکت زنان در دامنه فعالیت اجتماعی می‌دانند. مردسالاری بسیاری از فعالیت‌های نامناسب را برای مردان تجویز می‌کند، فعالیت‌های اوقات فراغت اغلب مکان‌هایی را در اختیار مردان قرار می‌دهد که پیوسته مردانگی خود را نشان دهند (Walby, 2003, 101).

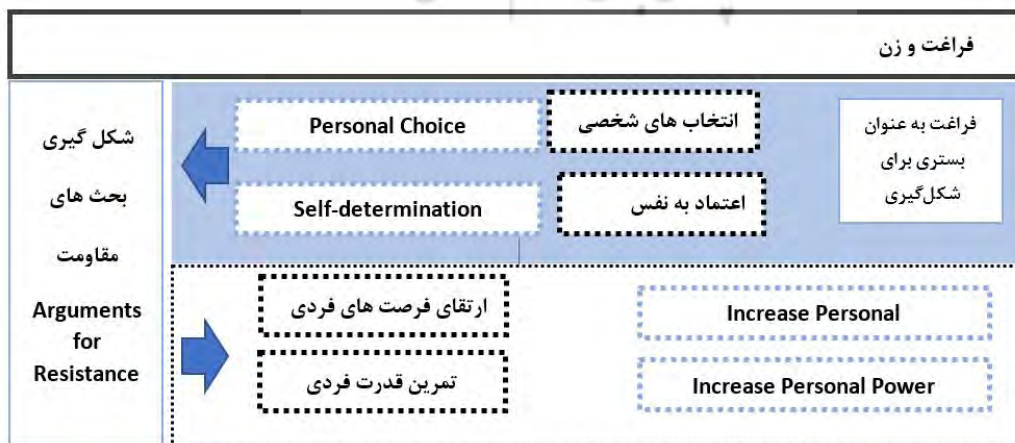
فراغت زنان

در بررسی مطالعات فراغت مشاهده می‌شود که هم‌زمانی و گسستگی فعالیت‌ها بر زندگی زنان غلبه کرده است شکل ۳ و این امر موجب

از نظر کلی هر فعالیتی می‌تواند فراغت در نظر گرفته شود زیرا فراغت به کیفیت انجام فعالیت بستگی دارد و نه به خود فعالیت (Kelly, 1997).

در مدرنیته، فراهم‌کنندگان فراغت، افرادی حرفه‌ای هستند، امروزه، در جهان پست‌مدرن مردم دیگر به سایرین اجازه نمی‌دهند که اوقات فراغتشان را برنامه‌ریزی کنند. مباحث اخیر راجع به انعطاف کار و زندگی، کالایی شدن فراغت و گسستگی زمان عناصر کلیدی نظریه پست‌مدرن هستند که تفکر انسان را درباره کار و فراغت در دهه ۹۰ تغییر داده‌اند. ساختارها و تقسیمات اجتماعی که نظریه‌های مدرنیستی را تشکیل می‌دادند، با دور شدن از الگوهای طبقات اجتماعی که بر اساس اشتغال شکل می‌گرفت، کم‌رنگ شده است (Rojek, 1995, 146). تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در سطح جهانی و منطقه‌ای منجر به شکست گروه‌های اجتماعی شده است. بدین ترتیب هویت‌های سیال و انتخاب‌های فردی برای سبک زندگی امکان‌پذیر گشته است. به گفته بریج^{۱۵} در جامعه اطلاعاتی این پورتالیو^{۱۶} است که موقعیت‌های زندگی را برای افراد که دارای هویت‌های فردی چندگانه هستند، بهبود می‌بخشد (Bridges, 1994, 170). اگر سه عنصر کلیدی انعطاف کار و زندگی، کالایی شدن فراغت و گسستگی فعالیت‌ها را در نظر بگیریم، متوجه خواهیم شد که طبیعت کار و فراغت دگرگون شده و تاریخ مصرف شغل به عنوان عامل تعیین‌کننده هویت از بین رفته است. همان‌طور که در شکل ۲ نشان داده شده، اکنون این چگونگی گذران فراغت است که هویت‌ساز شخصیت افراد است.

طیف وسیعی از نظریه‌های اجتماعی برای گسترش فهم تجربه فراغت و نقش فراغت در جوامع گسترده‌تر وجود دارد که در این بین به دیدگاه کارکردگراها^{۱۷} پرداخته شده است. در این دیدگاه رابطه میان کار و



شکل ۲. عناصر کلیدی پست‌مدرن در ارتباط با شکل‌گیری مفهوم جدیدی از فراغت

زنان، تحلیلی بر فراغت زنان به‌عنوان جایگاه ساختار هویت، قدرت و مقاومت به این نکته اشاره می‌کند که فراغت در زنان در ارتباطشان با سایرین تعریف می‌شود. زنان در بازبینی زندگی خود با دیگران راجع به شباهت‌های آشکار و مقاومت در برابر هویت‌های زنانه سنتی بحث می‌کنند. گرین بیان می‌دارد جایگاه اصلی فراغت و کلید امنیت ذهنی برای زنان، صحبت کردن است (Green, 1998).

ارتباطات اجتماعی از عوامل مهم در برانگیختن زنان برای تجربه فراغت است. همچنین فراغت می‌تواند موجب ارتقای کیفیت زندگی زنان در عرصه کار، تربیت فرزندان و روابط خانوادگی‌شان شود (Dilley & Scraton, 2010).

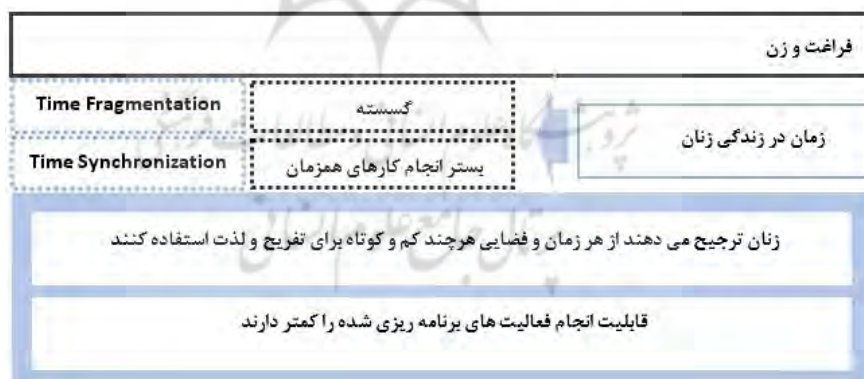
فضا و مکان عناصر مهم در ساختار روابط جنسیتی و هویت‌های هم‌پیوند هستند. می‌توان این‌گونه استدلال کرد که محدودیت‌های تاریخی زنان در تحرک در فضا با توجه به زمینه‌های فرهنگی، وسیله‌ای برای کنترل و محدود کردن هویت است. مسئولیت زنان به‌خانه و همسایگی‌های محلی محدود بوده و هویتشان بر اساس نقش‌های سنتی زنان در ارتباط با افراد و گروه‌هایی که در فضاهای مشابه بودند، ساخته می‌شد. مول و تونرز^{۱۷} تحقیقی درباره ارتباط میان فراغت زنان و مکان جغرافیایی انجام داده‌اند که نشان می‌دهد ادراک و احساس ما درباره مکانی که در آن فراغت اتفاق می‌افتد شامل کیفیت تجربه فراغت و میزان لذت ما نیز می‌شود. واضح است که ماهیت

شده است تا ایشان فضاهایی چندپاره را برای تفریح و فراغت در نظر بگیرند و امکان استفاده از فضای برنامه‌ریزی‌شده مرتبط با فعالیتشان را کمتر دارند. لذا نباید اهمیت چنین فضاهایی را دست‌کم گرفت، به‌ویژه در جوامع مردسالار که تلاش دارند تا نقش زنان را صرفاً به‌عنوان مادران و همسران تثبیت کنند (Deem, 1996).

فمینیست‌های پست‌مدرن در پاسخ به ادعای ناتوانی پست‌مدرنیسم در مواجهه واقعی و همه‌جانبه با مقوله هویت زن و پرداختن به مسائل مربوط به نابرابری‌ها و تبعیض‌های مربوط به زنان، با تأکید بر عنصر ساختار زدایی و نفی تفاوت، خواهان از بین بردن تفاوت‌های ساختگی، غیرواقعی و تاریخی بین زن و مرد هستند. فمینیست‌های پست‌مدرن معتقدند دامن زدن به تفکر منحصربه‌فرد دانستن زنان، یعنی دامن زدن به این نظریه که زنان به‌مثابه موجوداتی غیر و دیگری با مردان متمایز هستند، این تمایز خود به محرومیت زنان منجر می‌شود (نادری، ۱۳۹۱).

همان‌طور که در جدول ۱ قابل‌ملاحظه است، برخلاف نادری، فریزینگر^{۱۵} معتقد است، فراغت زنان بر اساس رابطه‌شان با دیگران در قالب معاشرت و گفتگو شکل می‌گیرد، چیزی که برای مردان به‌ندرت اتفاق می‌افتد و مشخصاً زنان را از مردان متمایز می‌کند (Freysinger, 1995).

ایلین گرین^{۱۶} در سال ۱۹۹۸ در مقاله‌ای تحت عنوان دوست‌یابی



شکل ۳. ویژگی‌های فراغت زنان

جدول ۱. ویژگی‌های فراغت زنان از دیدگاه فمینیست‌ها

ویژگی‌های فراغت از دیدگاه فمینیست‌ها	
لذت	ویژگی مربوط به فراغت زنان و مردان
آرمیدگی	ویژگی مربوط به فراغت زنان و مردان
روابط با دیگران (در قالب معاشرت و گفت‌وگو)	ویژگی مختص فراغت زنان



شکل ۴. نقش فرهنگ در فرآغت زنان

فضای سوم یادشده است، فضای سوم، فضایی است خارج از خانه که مخاطبین به آن معنا می‌بخشند (Samadi Ahari & SattarZadeh, 2017).

در سال‌های اخیر در شهر تهران نیز شاهد ظهور مراکز چندمنظوره جدیدی هستیم که با تجمع کاربری‌های تجاری، تفریحی و فرهنگی مخاطبان زیادی را به خود جذب کرده‌اند. در مقایسه با مراکز تجاری پیشین، مراکز چندمنظوره دارای تنوع فضایی بیشتری هستند. تمرکز سازندگان و گردانندگان این نسل از فضاها صرفاً مسئله خرید نیست بلکه پاسخ‌گویی نیازهایی از قبیل فرآغت و تفریح است که به سرعت در دهه‌های اخیر در جامعه ایرانی در حال رشد است. ساختن رستوران‌ها، شهرسازی مسقف، سینما، مراکز فرهنگی، اتاق‌های نمایش و ... در راستای ایجاد فضاهای تفریحی و فراغتی در دل مراکز چندمنظوره مانند پردیس‌ها، مراکز تجاری بزرگ و فضاهای دیگر جای می‌گیرند. مراکز چندمنظوره، هم عرصه کار (خرید) و هم عرصه فرآغت است. چنین فضاهایی، غیرازاین که شکل لذت زنان را به واسطه فرآغت تغییر داده، حیطة اختیار و آزادی انتخاب آنان را نیز بیشتر کرده است. زنان به‌عنوان عاملین فعال ساختار اجتماعی باید دارای فضای مناسب برای گذاران فرآغت در شهر باشند در غیر این صورت به قربانیان منفعل ساختار اجتماعی تبدیل می‌شوند.

فرانک کارن^{۱۹} و پاکسون لین^{۲۰} پژوهشی با عنوان زنان و فضای شهری انجام داده‌اند که در آن به این موضوع اشاره می‌کنند که علی‌رغم افزایش مطالعات درباره فضای شهری در سال‌های اخیر همچنان موضوع تفاوت جنسیتی در استفاده از این فضاها کمتر مورد توجه بوده است. هدف آن‌ها از این پژوهش توسعه نگرش درباره تفاوت‌های جنسیتی در فضاهای شهری است (Karen & Lynn, 1989, 132) محمد پور و بهمنی در مقاله‌ای تحت عنوان زنان، پاساژ و مصرف تأثیرات زندگی روزمره در دو دهه اخیر را بر زندگی زنان بررسی

روابط جنسیتی و طبقاتی در میان قومیت‌ها از مکانی به مکان دیگر متفاوت است (Mowl & Towner, 1995). فرایند اجتماعی عمومی که زندگی ما را شکل می‌دهد، توسط غربالگری فرهنگ محلی فیلتر می‌شود و نتایج متفاوتی تولید می‌کند. یافته‌های مطالعات اخیر مول و تونز در مورد جغرافیای فرآغت زنان نشان از اهمیت فرآغت به‌عنوان یک جایگاه ذهنی دارد. با توجه به آنچه در شکل ۴ نشان داده شده است، گروه‌هایی که از مکان‌های فرآغت عمومی تحریم شده و کنار گذاشته می‌شوند، ممکن است فضاهای خصوصی یا عمومی خود را برگزینند که برای زنان اغلب در خانه‌هایشان ایجاد می‌شود، جایی که به تعبیر مول و تونز «مرکز معنی» برای ایشان است. آنچه نقش محوری در این نوع تجربه فرآغت دارد، صحبت کردن است.

فرآغت در مراکز چندمنظوره

افزایش تعداد خودروها و تسلط آن‌ها بر شهر، در اواسط قرن بیستم، موجب توسعه و پراکندگی الگوی کاربری زمین شد. این توسعه موجب دشواری دسترسی پیاده به محلات مختلف شهر گردید، لذا در این زمان سیاست‌های کنترل پراکندگی کاربری‌های زمین و همچنین ایجاد مراکز چندمنظوره باهدف کنترل توسعه شهری پا به میان گذاشتند. مراکز چندمنظوره شهری با کاهش زمان سفر، مصرف سوخت و هزینه سفر موجب تسهیل دسترسی به کاربری‌های مختلف می‌شوند (Ding, 2013; Ratner & Goetz, 2004). کائو^{۱۸} در مطالعات خود به این موضوع اشاره می‌کند که مراکز چندمنظوره نه تنها موجب استفاده کمتر از وسایل نقلیه می‌شوند بلکه پیاده‌روی به‌منظور فرآغت را نیز افزایش می‌دهند (Brown et al., 2009; Cao et al., 2009). همچنین وجود فضاهای چندمنظوره موجب شکل‌گیری اجتماعات منسجم‌تر و فرآغت در جامعه می‌گردد (Pahuja, 2017, 25; Melling et al., 2018). در برخی از مطالعات فضای شهری، از فضای فراغتی با عنوان

نقش مراکز چندمنظوره در پاسخ به نیاز فراغت زنان مشخص سازد. همچنین با توجه به اینکه اکثر پژوهشگران با دیدگاه‌های فمینیستی به مفهوم فراغت زنان، پرداخته بودند، می‌توان ادعان داشت که مهم‌ترین تفاوت پژوهش پیش رو با مطالعات پیشین در نوع نگرش به مفهوم فراغت با رویکرد کنش متقابل است. در این پژوهش سعی بر آن است تا فراغت که عاملی اصلی در ایجاد هویت زنان و انسجام اجتماعی در جهان پست‌مدرن است بر اساس رویکرد کنش متقابل تشریح گردد.

جمع‌آوری و تحلیل داده

پردیس سینمایی کوروش واقع در اتوبان ستاری منطقه ۵ شهر تهران، مورد استقبال طیف مختلف کاربران است و به سبب فعالیت‌های فضایی متفاوتش از نمونه‌های مراکز چندمنظوره در کلان‌شهر تهران به شمار می‌رود. سازمان‌دهی این مرکز به‌گونه‌ای است که قرارگاه‌های رفتاری متنوعی را در برمی‌گیرد. مشخصات فضایی اجتماعی مؤثر در انتخاب این نمونه موردی به شرح زیر است:

۱- مجتمع کوروش در زمینی به وسعت ۹۵۰۰ مترمربع در ۶ طبقه ساخته شده است. یکی از جذابیت‌های این مجتمع طراحی نمای آن است که با حساسیت‌های ویژه‌ای ساخته شده است. ۲- وجود فعالیت‌های متنوعی از جمله سینما، شهربازی، فروشگاه‌های متنوع و فست فودها و سایر موارد، یکی از مهم‌ترین موارد در جذب مخاطب به این مجموعه بوده است. ۳- موقعیت شهری پردیس کوروش در مجاورت اتوبان ستاری یکی دیگر از مواردی است که موجب جذب مخاطب به این مجموعه می‌شود.

طراحی پرسش‌نامه

ابتدا در بخش آغازین پرسش‌هایی در خصوص جمع‌آوری اطلاعات جمعیتی مانند سن، تحصیلات، جنسیت، محل زندگی، شغل، درآمد، وضعیت تأهل و سایر موارد، طراحی شده است. در ادامه برای سنجش روایی در طراحی پرسش‌نامه، ۲۱ گویه در نظر گرفته شد که با توجه به سه متغیر اصلی تحقیق، شامل: فعالیت‌های هم‌زمان، گسستگی فعالیت‌ها و ارتباط با دیگران (در قالب معاشرت و گفتگو) و تحلیل‌های تعاملی با متخصصین و خبرگان این حوزه برای هر متغیر ۷ گویه در نظر گرفته شده است. در نهایت، با توجه به متغیرهای پژوهش برای طراحی گویه‌ها مطابق آنچه در جدول ۲ آورده شده است در نظر گرفته شد.

در تهیه پرسش‌نامه مقادیر بر اساس طیف لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم (از ۱ تا ۵: کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملاً مخالفم) انتخاب شده‌اند. نتایج در این قسمت تأثیر سه عامل

کرده‌اند و در پژوهش خود به این موضوع اشاره دارند که پاساژ صرفاً مکانی برای مصرف نشانه‌ها، پرسه زنی، هویت‌یابی، مقاومت، تمایز جنسیتی و دوست‌یابی است و مصرف کالا در بسیاری از موارد یک رفتار حاشیه‌ای و فرعی در فضای پاساژ است (محمد پور و بهمنی، ۱۳۸۹). در قرن نوزدهم گرچه خصلت مردانه عرصه عمومی کمتر شده بود، اما همچنان فضا دارای ویژگی‌های مردانه بود. مردان و زنان می‌توانستند به‌طور یکسان در خصوصی شدن شخصیت، گمنامی و کنار رفتن از زندگی عمومی سهیم باشند. باین حال، خطی که بین عرصه عمومی و خصوصی ایجاد شده بود زنان را در عرصه خصوصی محصور کرده بود، درحالی‌که مردان در عرصه عمومی آزاد بودند. زن و مرد در پناه بردن به انزوا یا گریز به خلوت و تنهایی دارای حقوقی یکسان نبودند. به اعتقاد ولف^{۱۱}، یکی از دلایل محدود شدن زن در خانه این بود که ورود او بدون همراهی مرد، مایه بدنامی تلقی می‌شد. در نتیجه زن، اگر در فضای عمومی هم حاضر می‌شد، درواقع حضوری واقعی نداشت. چنانچه زنان در حوزه عمومی حضور داشته‌اند همواره تحت مراقبت و کنترل مردان بوده‌اند. حضور زنان در مشاغل دون پایه در قرن نوزدهم نیز نتوانست موقعیت اجتماعی آنان را بهبود بخشد، اما تأسیس و استقرار فروشگاه‌های بزرگ در دهه‌های ۱۸۵۰ و ۱۸۶۰ میدان تازه‌ای برای فعالیت زنان ایجاد کرد (Wolff, 1985).

در جامعه سنتی ایران، در کمتر از یک قرن پیش، زنان صرفاً می‌توانستند در مکان‌های شخصی آزادانه حضور یابند. مسجد، حمام و مزار، سه قلمروی‌ای بودند که زنان به‌تنهایی و بدون حضور مردان اجازه ورود داشتند. خیابان، بازار، فرورشدگی و خرید، تجارت، زمین‌داری، سیاست و غیره به مردان تعلق داشت. با ظهور مراکز بزرگ خرید و مراکز چندمنظوره، عرصه قلمرو عمومی و خصوصی خلط شد. زن آزادانه می‌توانست هر زمان که اراده کند به بهانه رفتن به خرید، از خانه خارج شود. رفتن به خرید یکی از نخستین بهانه‌ها (به‌جز حمام، مسجد و مزار) بود که زن می‌توانست در بیرون حضور یابد. چنین حضوری بین کار مفید و فراغت در نوسان بود؛ یعنی درحالی‌که زن برای منزل خرید می‌کرد، می‌توانست تفریح کند و زمان آزاد مختص به خودش را در جامعه واقعی داشته باشد (کاظمی و ابادری، ۱۳۸۳). همان‌طور که در ابتدای بحث مبانی نظری و ادبیات موضوع اشاره شد، مفهوم فراغت مورد توجه بسیاری از پژوهشگران بوده است؛ اما نگرش این مفهوم در تعامل با دیدگاه‌ها، زمان‌ها و فضاهای مختلف با تمرکز بر فراغت زنان در عصر حاضر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. لذا این پژوهش سعی داشته است تا پیوندی در این خصوص برقرار سازد تا با معیارهای به‌دست آمده با مؤلفه‌های فراغت به‌عنوان بستر انجام فعالیت‌های هم‌زمان، گسستگی فعالیت‌ها و روابط با دیگران،

جدول ۲. ارتباط میان متغیرها و گویه های پرسش نامه

متغیرهای استخراج شده از مبانی نظری	موارد در نظر گرفته شده برای طراحی گویه ها
انجام فعالیت های هم زمان	انجام توأمان فعالیت های کار جدی (خرید) و سایر فعالیت ها (سینما)؛ استفاده از بخش های مختلف مرکز کوروش؛ استفاده از مرکز کوروش برای انجام وظایف روزمره همراه با سایر فعالیت ها.
گسستگی فعالیت	مراجعه به مرکز کوروش در ساعات بین روز و ایام هفته؛ استفاده از مرکز کوروش در میان کارهای روزمره؛ تعدد استفاده از مرکز کوروش در ایام هفته.
ارتباط با دیگران	تنظیم قرارهای دوستانه در مرکز کوروش؛ تجربه دوستیابی در مرکز کوروش؛ کیفیت و موانع استفاده از مرکز کوروش برای ارتباط با دیگران (در قالب گفتگو و معاشرت).
(در قالب گفتگو و معاشرت)	

حد ۰ است. زمانی که این مقدار بین ۰/۸ و ۰/۹ به دست می آید، نشان دهنده پایایی بسیار خوب پرسش نامه است. در جدول ۳ خروجی آزمون آلفای کرونباخ در SPSS^{۲۲} نشان داده شده است. همان طور که ملاحظه می شود مقدار آلفای کرونباخ برای هر سه متغیر با رتبه بسیار خوب ارزیابی می شود.

توزیع پرسش نامه

برای بررسی رفتار یک جامعه، از آنجاکه بررسی کل جامعه با توجه به محدودیت های زمان و بودجه امکان پذیر نیست، باید قسمتی از جامعه آماری مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. اهمیت این امر از آنجاست که تخمین تعداد نمونه ناکافی برای هر مدل آماری می تواند باعث ایجاد نتایج ناسازگار، غیرقابل اطمینان و بعضاً عدم ساخت مدل صحیح شود. با توجه به فرمول کوکران برای تعیین اندازه نمونه (Hensher et al., 2005, 782) حداقل اندازه نمونه برابر ۳۸۴ پرسش نامه به دست می آید. با توجه به آنچه توضیح داده شد، ۳۸۴ پرسش نامه میان زنان مراجعه کننده به مرکز چندمنظوره کوروش به طور تصادفی توزیع شده است که تعداد ۳۳۴ عدد از پرسش نامه ها قابل استناد است.

(هم زمانی فعالیت ها و گسستگی فعالیت ها و ارتباط با دیگران) را به منظور محاسبه سطح معناداری اثر عوامل یادشده بر فراغت زنان نشان می دهد. مقوله ارتباط با دیگران با پرسش هایی در مورد ارتباطات اجتماعی، امکان گفتگو و معاشرت با سایرین و همراهان، تجربه دوستیابی و کیفیت فضاهای گفتگو ارزیابی شده است. مقوله هم زمانی فعالیت ها با پرسش هایی درباره انجام فعالیت هایی در دسته بندی کار جدی (خرید) و سایر فعالیت های فراغتی (رفتن به سینما) مورد ارزیابی قرار گرفته است و در نهایت گسستگی فعالیت ها نیز با پرسش هایی در مورد استفاده روزمره از فضاها، برطرف شدن نیازهای روزمره در این مکان و استفاده از فضاها در میان کارهای روزانه زنان ارزیابی شده است.

انجام پیش آزمون

به منظور سنجش پایایی پرسش نامه در مرحله پیش آزمون تعداد ۳۰ پرسش نامه توزیع گردید. با استفاده از روش آلفای کرونباخ هرچه سازگاری درونی پرسش نامه بیشتر باشد مقدار به دست آمده از ۰ تا ۱ افزایش می یابد. مقدار آلفای کرونباخ در بیشترین حد ۱ و در کمترین

جدول ۳. تحلیل پایایی پرسش نامه

تعداد سؤالات	مقدار آلفای کرونباخ	گویه های متغیر بررسی شده
۷	۰/۸۸	انجام فعالیت هم زمان
۷	۰/۸۰	گسستگی فعالیت
۷	۰/۸۲	ارتباط با دیگران (در قالب گفتگو و معاشرت)

جدول ۴. درصد به‌دست‌آمده از سنجش اولیه دلیل مراجعه مخاطبین

پرسش	خرید	تفریح	سینما	کافه و رستوران	همه فعالیت‌ها
مراجعه شما به چه منظور صورت می‌گیرد؟	۲۵/۹	۱۹/۶	۱۸/۵	۱۷/۷	۱۸/۳

تحلیل توصیفی داده‌ها

از میان جمعیت مراجعه‌کننده به مرکز چندمنظوره کوروش ۳۵ درصد زنان بین ۲۵ تا ۱۵ سال، ۳۸ درصد میان ۲۵ تا ۴۰ سال و ۲۷ درصد بالای ۴۰ سال می‌باشند. همچنین ۸ درصد دارای مدرک تحصیلی دیپلم، ۶۲ درصد کارشناسی، ۲۳ درصد کارشناسی ارشد و ۷ درصد مدارک تحصیلی دکتری و بالاتر داشتند. داده‌های کلی به‌دست‌آمده در جدول ۴ نشان می‌دهد از میان ۳۸۴ نفر پرسش‌شونده ۷۴/۱ درصد از آنان برای انجام فعالیت‌هایی غیر خرید در این فضا حضور دارند. ۱۹/۶ درصد از افراد به‌منظور تفریح و ۱۸/۵ درصد برای تماشای فیلم، ۱۷/۷ درصد برای استفاده از کافه‌ها و رستوران‌ها و ۱۸/۳ درصد نیز به دلیل انجام همه فعالیت‌های نام‌برده به این فضا می‌آیند از این بین تنها ۲۵/۹ درصد افراد به‌منظور خرید به پردیس کوروش مراجعه می‌کنند.

یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه یکی از بهترین آزمون‌های تحلیل پرسش‌نامه‌های کیفی لیکرت آزمون t تک نمونه‌ای^{۲۳} است، برای مقایسه مقدار میانگین یک جامعه با میانگین مورد انتظار است. با استفاده از فرضیه آماری، فرضیه صفر یا فرضیه پوچ در نظر گرفته می‌شود، همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود فرضیه صفر، در تضاد با فرضیه خلاف است. اگر چنانچه مقدار سطح معناداری^{۲۴} کمتر از ۰/۰۵ باشد و همچنین میانگین مشاهده‌شده از میانگین مورد انتظار بزرگ‌تر باشد، با ضریب اطمینان ۰/۹۵ فرض صفر رد شده و فرضیه خلاف قابل قبول خواهد بود. اگر چنانچه سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ باشد و میانگین

مشاهده‌شده از میانگین مورد انتظار کوچک‌تر باشد، به این معنی است که دلیل کافی برای رد فرضیه صفر وجود نخواهد داشت. در ارائه آماری جدول ۶، می‌توان سطح معنی‌داری و تفاوت میانگین‌ها را مشاهده کرد. در قسمت مربوط به متغیر هم‌زمانی فعالیت‌ها سطح معنی‌داری ۰/۰۰ محاسبه‌شده است ($P < ۰/۰۵$)، با توجه به اینکه این مقدار در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ معنی‌دار است و از آنجاکه میانگین مشاهده‌شده بیشتر از میانگین مورد انتظار است، می‌توان نتیجه گرفت با ضریب اطمینان ۹۵٪ فرضیه صفر (۱) رد و فرضیه خلاف (۱) قابل قبول است.

همچنین در مورد عامل گسستگی فعالیت‌ها مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری ۰/۰۰ محاسبه‌شده است ($P < ۰/۰۵$)، است و از آنجاکه میانگین مشاهده بیشتر از مورد انتظار است، با ضریب اطمینان ۹۵٪ می‌توان فرضیه صفر (۲) را رد کرده و فرضیه خلاف (۲) را قابل قبول دانست.

در مورد عامل ارتباط با دیگران (در قالب معاشرت و گفتگو) با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۳۴۳ ($P > ۰/۰۵$) و با توجه به مثبت بودن سطح میانگین به‌دست‌آمده و منفی بودن مقدار t به‌دست‌آمده ($t = -۰/۹۵۰$) با ضریب اطمینان ۹۵٪ دلایل کافی برای رد فرضیه صفر (۳) وجود ندارد و فرضیه خلاف (۳) قابل قبول نخواهد بود.

علت این موضوع که متغیر مربوط به ارتباط با دیگران (در قالب گفتگو و معاشرت) معنادار نشده است را می‌توان بر اساس شکل‌های شماره ۵ تا ۱۲ در قالب مشاهدات میدانی صحت‌سنجی و تفسیر نمود. همان‌طور که انتظار می‌رود بیشتر تجمعات در فضاهای اشتراکی

جدول ۵. فرضیه آماری

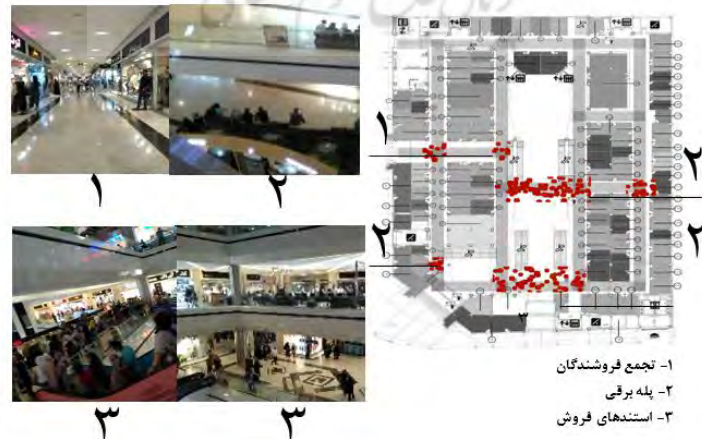
فرضیه‌های پژوهش	
فرضیه صفر (۱): میان فراغت زنان در مرکز چندمنظوره کوروش و هم‌زمانی فعالیت‌ها ارتباط معناداری وجود ندارد.	فرضیه خلاف (۱): میان فراغت زنان در مرکز چندمنظوره کوروش و هم‌زمانی فعالیت‌ها ارتباط معناداری وجود دارد.
فرضیه صفر (۲): میان فراغت زنان در مرکز چندمنظوره کوروش و گسستگی فعالیت‌ها ارتباط معناداری وجود ندارد.	فرضیه خلاف (۲): میان فراغت زنان در مرکز چندمنظوره کوروش و گسستگی فعالیت‌ها ارتباط معناداری وجود دارد.
فرضیه صفر (۳): میان فراغت زنان در مرکز چندمنظوره کوروش و ارتباط با دیگران (در قالب گفتگو و معاشرت) ارتباط معناداری وجود ندارد.	فرضیه خلاف (۳): میان فراغت زنان در مرکز چندمنظوره کوروش و ارتباط با دیگران (در قالب گفتگو و معاشرت) ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۶. نتایج آنالیز داده‌های پرسش‌نامه

متغیر	N	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation
هم‌زمانی فعالیت‌ها	۳۳۴	۱	۵	۳/۶۸۶۴	۰/۰۴۵۸۷
ارتباط با دیگران (در قالب گفتگو و معاشرت)	۳۳۴	۱	۵	۲/۹۳۷۸	۰/۹۶۴۴۴
گسستگی فعالیت‌ها	۳۳۴	۱	۵	۳/۳۶۱۸	۰/۸۲۳۱۴
متغیر	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	تفاوت میانگین‌ها	میانگین مورد انتظار
هم‌زمانی فعالیت‌ها	۱۴/۶۳۳	۳۳۳	۰/۰۰۰	۰/۶۸۶۴	۳/۰۰۰۰
ارتباط با دیگران (در قالب گفتگو و معاشرت)	-۰/۹۵۰	۳۳۳	۰/۳۴۳	-۰/۶۲۲۱	۳/۵۵۹۹
گسستگی فعالیت‌ها	۸/۱۷	۳۳۳	۰/۰۰۰	۰/۳۶۱۸	۳/۰۰۰۰



شکل ۵. مناطق پرازدحام طبقه ۲- و ۱-



شکل ۶. مناطق پرازدحام طبقه همکف و اول



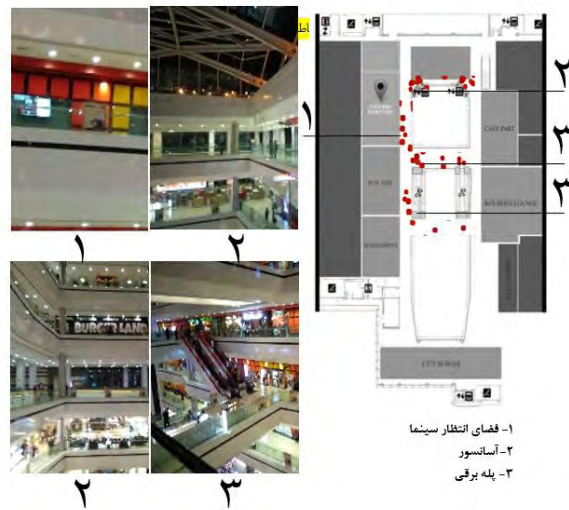
شکل ۷. مناطق پرازدحام طبقه دوم



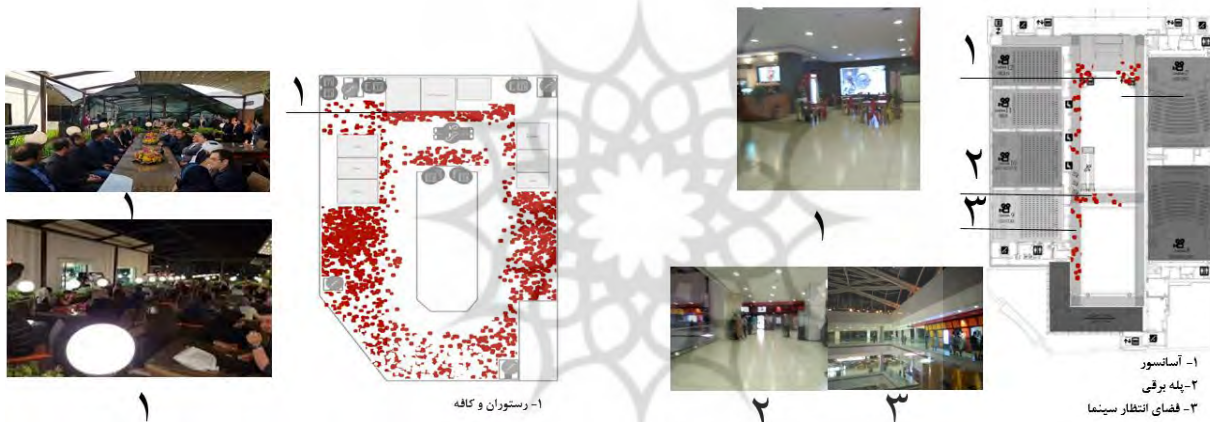
شکل ۸. مناطق پرازدحام طبقه سوم



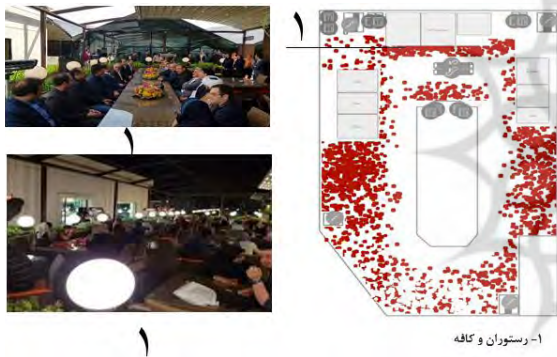
شکل ۹. مناطق پرازدحام طبقه چهارم



شکل ۱۰. مناطق پرازدحام طبقه پنجم



شکل ۱۱. مناطق پرازدحام طبقه هشتم



شکل ۱۲. مناطق پرازدحام بام

مجموعه نیز فضاهایی برای گفتگو و معاشرت مشاهده می‌شود که واجد مقبولیت است اما به دلیل وجود مشکلاتی در ایجاد آسایش حرارتی و علی‌رغم تلاش‌هایی نظیر استفاده از آبپاش‌ها و سایبان‌ها در برخی از ساعات روز، این فضا از مطلوبیت دمایی لازم برخوردار نیست.

نتیجه‌گیری

در انجام پژوهش حاضر مطالعاتی در خصوص فراغت در عصر حاضر، فراغت زنان و مراکز چندمنظوره شهری انجام شده است. مرور دیدگاه‌های کارکردگراها، مارکسیست‌ها، نئومارکسیست‌ها و فمینیست‌ها نشان می‌دهد، دیدگاه‌های مذکور در پاسخ‌گویی به نیاز فراغت در عصر حاضر ناکارآمد هستند. علاوه بر آن، دیدگاهی که در این پژوهش بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، دیدگاه کنش‌متقابل (تعامل‌گرایی) است که دارای تطبیق بیشتری در پاسخ‌گویی به نیاز

طبقات شامل فضاهای ارتباطی، غرفه‌های فروش، فضای انتظار سالن‌های سینما و فضای رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌ها رخ داده است. صرف‌نظر از فضاهای ارتباطی و غرفه‌های فروش، بخش عمده تجمع افراد در فضای اشتراکی در طبقات منفی دو در شکل ۵، طبقه دوم در شکل ۷ و بام مجموعه در شکل ۱۲ تشکیل شده است. در طبقه منفی دو تجمع افراد بیشتر در فضای کافی‌شاپ مشاهده می‌شود، این قسمت از مجموعه نسبت به سایر فضاهای مسقف دارای آلودگی صوتی کمتر است و فضای مناسب‌تری برای معاشرت و گفتگوی افراد فراهم کرده است اما دارای ظرفیت متناسب با تقاضای افراد به‌ویژه در ساعات پر تقاضا نیست. در طبقه دوم تجمع افراد بیشتر ناشی از وجود رستوران‌ها و فضای بازی است که بر اساس مشاهدات، مجاورت این دو فضا به یکدیگر موجب افزایش آلودگی صوتی و کاهش مطلوبیت فضاهای گفتگو در رستوران‌های این طبقه شده است. در بام این

اشاره داشت که بررسی عوامل فضایی که موجب کاهش ارتباط با دیگران (در قالب معاشرت و گفتگو) است، باهدف ارتقای فراغت زنان در مراکز چندمنظوره شهری می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. Hyper - Mall
2. Cochran formula
3. Validity
4. Reliability
5. Cronbach's alpha
6. Interactionalism
7. Berger and Luckmann
8. John R. Kelly
9. Janice R. Kelly
10. Bridge
11. Portfolio
12. Functionalist
13. Neo-Marxism
14. Feminism
15. Freysinger
16. Eileen Green
17. Mowl and Towner
18. Cao
19. Franck Karen
20. Paxon Lynn
21. Volf
22. Statistical package for social science
23. One Sample t-test
24. Sigma (α)

فهرست مراجع

۱. کاظمی، عباس؛ و ابادری، یوسفعلی. (۱۳۸۳). زندگی روزمره و مراکز خرید در شهر تهران. *مجله انسان‌شناسی (نامه انسان‌شناسی)*، ۳(۶)، ۹۷-۱۱۶.
۲. محمد پور، احمد؛ و بهمنی، مریم. (۱۳۸۹). زنان، پاساژ و مصرف‌نشانه‌ها. *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*، ۱۲(۴۷)، ۲۲-۴۱.
۳. محمد پور، احمد؛ بوستانی، داریوش؛ رضایی، مهدی؛ و صادقی، رسول.

فراغت در عصر حاضر است. دیدگاه کنش متقابل به ابهام مرز میان کار و فراغت، نقش فراغت در هویت‌سازی و انسجام اجتماعی اشاره می‌کند. در بخش فراغت زنان، به بررسی مطالعات فمینیستی بسیاری که در مورد مفهوم فراغت زنان صورت گرفته، پرداخته شده است، این مطالعات به دلیل یک‌سویه بودن در نگاه به مفهوم فراغت از وسعت دید قابل‌قبولی برخوردار نیستند. لذا در پژوهش حاضر بررسی دیدگاه‌های فمینیستی صرفاً برای درک بهتر ویژگی‌های زنانه فراغت انجام شده است. مراکز چندمنظوره شهری که در مبانی نظری به آن اشاره شده است، به‌عنوان مراکز نوظهور شهری در نظر گرفته شده‌اند. این مراکز با کاربری‌های مختلف و مختلط خود امکان تعاملات بیشتری را نسبت به بسیاری از فضاهای شهری دیگر در خود جای می‌دهند. همچنین مرز میان کار جدی (خرید) و سایر فعالیت‌ها در این فضاها بسیار مبهم است که این ویژگی از تعاریف مفهوم فراغت از منظر کنش متقابل است. ویژگی دیگری که در مطالعه فضاهای چندمنظوره شهری حائز اهمیت بوده است وجود فعالیت خرید در این مراکز است که همواره در فرهنگ‌های مختلف حضور زنان را در فضاهای شهری موجه کرده است. درنهایت با بررسی کامل مبانی نظری پژوهش سه ویژگی فعالیت هم‌زمان، گسستگی فعالیت و ارتباط با دیگران (در قالب معاشرت و گفتگو) به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار در فراغت زنان شناخته شده‌اند. نتایج به‌دست‌آمده از توزیع ۳۸۴ پرسش‌نامه با در نظرگیری شرایط آماری در میان زنان مراجعه‌کننده به مرکز چندمنظوره شهری کوروش و انجام آزمون‌های آماری مشخص شد که میان فراغت زنان با متغیر هم‌زمانی فعالیت‌ها و متغیر گسستگی فعالیت‌ها با ضریب اطمینان ۹۵ درصد ($p < 0/05$) ارتباط معناداری وجود دارد اما میان متغیر ارتباط با دیگران (در قالب معاشرت و گفتگو) و فراغت زنان با ضریب اطمینان ۹۵ درصد ($p > 0/05$) رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود. در ادامه نتایج آماری به‌دست‌آمده، بر اساس مشاهدات که در شکل‌های ۵ تا ۱۲ نشان داده شده است صحت سنجی شد. این مطالعه علاوه بر تأیید تعاملات مربوطه به فراغت زنان و مراکز چندمنظوره با دیدگاه کنش متقابل نتایج ثانویه‌ای داشته است که در این ارتباط می‌توان به مباحث عدم مطلوبیت فضاهای معاشرت و گفتگو به دلایلی نظیر ازدحام، آلودگی صوتی، مجاورت فضاهایی مانند رستوران و فضای بازی کودکان و عدم کفایت ظرفیت فضاهای گفتگو اشاره داشت. به‌عنوان نمونه، فضای بام در این مجموعه از آلودگی صوتی کمتری برخوردار است و از نظر پاسخ‌دهندگان و بر اساس مشاهدات فضای مطلوب‌تری جهت گفتگو تشخیص داده شده است ولی با توجه به تمهیدات انجام شده همچنان عدم آسایش حرارتی، مانع مهمی برای ایجاد فضای مناسب جهت گفتگو در تمامی فصول سال ایجاد کرده است. در این ارتباط می‌توان

- ۱۳۸۸). تحقیق فمینیستی: مبانی پارادایمی و مجله‌های انتقادی. پژوهش زنان، ۲۱(۲)، ۱۵۱-۱۸۶.
۴. نادری، فرح. (۱۳۹۱). اندیشه پست‌مدرنیسم و جایگاه زن. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، ۴(۱۳)، ۴۳-۵۶.
5. Berger, P. L., & Luckmann, T. (2011). *The social construction of reality: a treatise in the sociology of knowledge*. (1th ed.). New York: Open road integrated media.
6. Blumer, H. (1986). *Symbolic interactionism: perspective and method*. (1th ed.). California: University of California Press.
7. Bridges, W. (1994). *JobShift: how to prosper in a workplace without jobs*. (1th ed.). Boston: Da Capo Press.
8. Brown, B. B., Yamada, I., Smith, K. R., Zick, C. D., Kowaleski-Jones, L., & Fan, J. X. (2009). Mixed land use and walkability: Variations in land use measures and relationships with BMI, overweight, and obesity. *Health & place*, 15(4), 1130-1141.
9. Cao, L., Yu, W., Wu, Y., & Yu, L. (2009). The evolution, complex structures and function of septin proteins. *Cellular and molecular life sciences*, 66(20), 3309.
10. Clarke, J., & Critcher, C. (1985). *The devil makes work: Leisure in capitalist Britain*. (1th ed.). London: Macmillan.
11. Deem, R. (1996). No time for a rest? An exploration of women's work, engendered leisure and holidays. *Time & Society*, 5(1), 5-25.
12. Dilley, R. E., & Scraton, S. J. (2010). Women, climbing and serious leisure. *Leisure Studies*, 29(2), 125-141.
13. Ding, C. (2004). Urban spatial development in the land policy reform era: evidence from Beijing. *Urban studies*, 41(10), 1889-1907.
14. Freysinger, V. J. (1995). The dialectics of leisure and development for women and men in mid-life: An interpretive study. *Journal of Leisure Research*, 27(1), 61-84.
15. Green, E. (1998). Women doing friendship': an analysis of women's leisure as a site of identity construction, empowerment and resistance. *Leisure Studies*, 17(3), 171-185.
16. Hensher, D. A., Rose, J. M., & Greene, W. H. (2005). *Applied choice analysis: a primer*. Cambridge: Cambridge University Press.
17. Karen, A. F., Lynn, P. (1989). *Women and urban public space in I. Altman and E. H. Zube (Ed). Public Places and Spaces (pp. 121-146). Boston: MA, Springer.*
18. Kelly, J. R. (1983). *Leisure identities and interactions*. London: George Allen & Unwin.
19. Kelly, J. R., & Kelly, J. R. (1994). Multiple dimensions of meaning in the domains of work, family, and leisure. *Journal of Leisure Research*, 26(3), 250-274.
20. Kelly, J. R. (1997). Changing Issues in Leisure-Family Research—Again. *Journal of Leisure Research*, 29(1), 132-134.
21. Melling, A., Davis, P., Buckley R., Smart, D., & Williamson, A. (2018). *Publication local plan for bolsover district*. Retrieved 12 August, 2017, from Bolsover District Council LDF website: http://www.bolsover.gov.uk/images/LIVE/P/Plan_SA_Report_PubLPfBD_1804.pdf.
22. Mowl, G., & Towner, J. (1995). Women, gender, leisure and place: Towards a more 'humanistic' geography of women's leisure. *Leisure Studies*, 14(2), 102-116.
23. Pahuja, R. (2017). *Mixed land use in urban development*. Unpublished master's thesis, Jamia Millia Islamia University, New Dehli.
24. Parker, S. R. (1983). *Leisure and work*. London: George Allen and Unwin.
25. Ratner, K. A., & Goetz, A. R. (2013). The reshaping of land use and urban form in Denver through transit-oriented development. *Cities*, 30 (1), 31-46.
26. Rojek, C. (1995). *Decentring leisure: Rethinking leisure theory*. London: Sage Publishing.
27. Samadi Ahari, A., & SattarZadeh, D. (2017). Third place, a place for leisure time and its relationship with different social setting in Tabriz, Iran. *International Journal of Architecture & Urban Planning*, 27, 95-105.
28. Walby, S. (2003). *Gender transformations*. London: Routledge.
29. Wolff, J. (1985). The Invisible Flâneuse. Women and the literature of modernity, *Theory, Culture & Society*. 3(2), 37-46.

Evaluating the Effective Factors on the Quality of Women Leisure from Interactionist Approach in Urban Mixed-Use Centers (Case Study: Kourosh Mixed-Used Center)

Sharin Shirmohamadian, Ph.D. Candidate, Department of Architecture, Islamic Azad University, Central Branch, Tehran, Iran.

*Shadi Azizi**, Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty Member of Islamic Azad University, Central Branch, Tehran, Iran.

Abstract

The fundamental changes in industrial and post-industrial societies have changed the concepts of work, residence, and leisure. In this situation leisure has become one of the most crucial needs of human life and a wide range of social theories has been used to expand our understanding of leisure experiences and the role of leisure in societies. Today the definition of leisure is more complicated by the ambiguity situation of work and leisure, especially in citizenship life. However, even though many studies have reported leisure as functionalist, Marxist, neo-Marxist and feminist approaches, there has been very little research reported on the interactionist approach. This approach addressed the attributes of leisure in dramatic lifestyle changes. People's job is no longer the mere sign of social class and personal identity. Today's differences between people will be more distinctive by their leisure activities. From this view, leisure is one of the fundamental factors for social cohesion, identical definition, and social interactions. Meeting this need requires physical locations, and the urban spaces have a vast potential to respond to this need. Urban spaces have a foremost role in leisure activities especially for women who always faced challenges in public places. Before second-Pahlavi dynasty, women presence just was common in Mosque, Bath, and Bazar without a man. So many various cultural limitations and beliefs keep women away from many public spaces during the history of our county. The absence of women in urban spaces leads to their inability to making relationships and suppress their identity. The purchase was the only activity that allows women to be present in the realm of men in the past. Today's Mixed-use centers are new urban places that make legitimate the presence of women from different social classes in the urban space. In these places, women can find a new identity for themselves, other than being a woman or a mother of children. Today's mixed-use centers are becoming new urban places that provide an opportunity to purchase besides a lot of other activities for women. Considering the importance of leisure for women as a source of identity, in the present study, Kourosh mixed-used center is selected as one of the new urban places which contain diverse meanings and activities than other public spaces like coffee shops and restaurants in Tehran metropolis. The aim of this article is evaluating the role of mixed-use centers as new spaces of urban interactions in the quality of women leisure. Literature review in recent leisure fields based on interactionist approaches categorize that three variables into activity fragmentation, activity synchronization, and communication (socialize and speaking). The influence of these variables analyzes by statistical analysis as fieldwork in Kurosh Mixed-use center. The data were collected through questionnaires distributed to 384 women randomly in Kurosh center. The data were analyzed using SPSS software. The result shows that women leisure has a significant correlation to the activity fragmentation and activity synchronization, yet there is no significant correlation between women leisure and communication (socialize and speaking).

Keywords: Leisure Contemporaneously, Urban Mixed-use Centers, Women Leisure, Interactionist Approach.

* Corresponding Author Email: sha.Azizi@iauctb.ac.ir